

ما اینا رو گرفتیم یا اینا ما رو؟!

روزهای من عجیب آغاز می شود. یک روز که از خواب پامی شوم، یک چیزی را ندارم. ولی چند روز بعدش آن را دوباره دارم و چیز دیگری ندارم! این بار که بیدار شدم، احساس کردم مغز کافی ندارم! یعنی هرچی فکر کردم، دیدم چیزی به ذهنم نمی رسد! یک مرد سیلو آمد داخل اتاق و گفت: «باز گرفتی تالنگ ظهر خوابیدی؟! یه فکری برای کار و زندگی ت بکن. هم سن و سالای تو زن و بچه دارن.» این را گفت و رفت. خب من می خواستم، ولی نمی توانستم یک «فکری» برای کار و زندگی ام بکنم! مثلاً نمی دانم کار یعنی چی؟ زندگی یعنی؟ زن و بچه یعنی چی؟! اصلاً این کی بود آمد داخل اتاق؟! درست است که مغز کافی نداشتم، ولی خب حواس دیگر کار می کرد. این یارو به چشمم آشنا می آمد! حتی تخته را که لمس کردم، حس لامسه ام گفت که تخت خودم است. تصمیم گرفتم حالا که این جوری شده است، حواسم را خوب جمع کنم و خودم را به فهمیدن بزنم! پس با اعتماد به نفس بلند شدم و رفتم از اتاق بیرون. همان آقای سیلو و یک خانم زیبای میان سال که نمی دانستم چه نسبتی باهم دارند، روی کاناپه نشسته بودند و داشتند تلویزیون نگاه می کردند. خانم زیبای میان سال گفت: «صبحونه ت روی میز آشپزخونه ست.» با خودم گفتم صبحانه یعنی چی؟ آشپزخانه یعنی چی؟ ولی خب گرسنگی ام را حس می کردم و فهمیدم که صبحانه و آشپزخانه یعنی چی؛ همان طور که حس دست شویی به من فهماند باید قبل از صبحانه کجا بروم! صبحانه را که خوردم، رفتم روی کاناپه کنار مرد سیلو و خانم زیبای میان سال نشستم.

ادامه دارد...



اولویت دولت گره گشایی از مسکن دهک های یک تا پنج است.

- وزیر بهداشت: والا ما هم با این قیمتای درمان فقط می تونیم از دهک ۱۰ جامعه گره گشایی کنیم.
- امیرحسین ثانی: آره، به کم دیگه دولت با همین فرمون پیش بره، مسکنی برای دهک های یک تا پنج نمی مونه که گرهی بخواد داشته باشه.
- سید مجید موسوی: ما هم به فکر آمریکایییم و هدفمون گره گشایی از کشاورزی آمریکاست. به همین دلیل یادگاناشون رو همی شخم می زنیم.
- وزیر جهاد کشاورزی: اولویت ما از قطع آب کشاورز، گره گشایی از مشکلات کاشته. کشاورز با خیال راحت برن استراحت، فعلاً آب نیست.
- فیفا: ما هم جا داره از همین تریبون از باشگاه های ایرانی تشکر کنیم که با پرونده های زیاد و همیشه شکست خورده گره از مشکلات مالی فیفا باز می کنن.
- مریم امیرجلالی: مسئله اینه که مشکل مسکن دیگه گره نیست، قفل کتابیه. با این چیزا باز نمی شه.
- نجم الدین شریعتی: دولت به کم دیگه بخواد این گره را بگشاید، من از نجم الدین شریعتی به ایرج میرزا تبدیل می شم.
- وزیر نیرو: دوستانی که گره از مشکل مسکنشون گشاده شده، به پیام به بنده بدن که با قطع بیشتر برق و آب، تعادل گره های زندگی شون رو حفظ کنیم.
- حبیب لیسانس: ما هم کم داریم تعداد اولویت های دولت از تعداد خواستگاریای من بیشتر می شه.

ایجو، مگفتن

مهدی محمدی

عضو کمیسیون اقتصادی:

دلار فروشی سر چهارراه مثل فروش مواد مخدر سر چهارراه است.

(جراید)

یک دهک پایینی:

ارزش کالا برگ
مثل این است
که بروی
ساندویچی، موقع
حساب کردن
بگویند «اون
آقاهه پول سس
تک نفره شما رو
حساب کرد».

یک دانش آموز:

دادن پول پرینت
برگه امتحان،
مثل این است
که مترجم به اعدام
خودش برود از
سر کوچه یک
چوبه دار و طناب
مربوطه را بخرد!

یک فرزند کنجکاو:

مخفی کردن
خوراکی ها
توسط مامان
ما در ظروف
لوبیا و لپه،
مثل تکنیک
جاساز کردن
مواد مخدر توسط
کارتل های
کلمبیایست

یک فعال محیط زیست:

نام گذاری
سبزده بدر به
نام روز طبیعت
مثل این است
که روز معلم،
دانش آموزان از
معلم به عنوان
هدف دارت
استفاده کنند.

یک بیننده تلویزیون:

اینکه با وجود
تأسیس شبکه
ورزش، خیلی
مسابقات مهم
فوتبال پخش
زنده ندارند، مثل
این است که
ساندویچی بزنی،
ظهرها ببندی،
بروی برای نهار.